

آیین و آیین‌ها در نیرنگستان*

فیلیپ ج. کرین بروک

آزیده مقدم

اشاره:

نیرنگستان از جمله متون عالمانه دینی است که در آن بخش‌هایی از اوستا - کتاب مقدس زرتشتیان - که به نحوه اجرای آیین‌های دینی مربوط می‌شوند، همراه با تفاسیرشان، به خط و زبان پهلوی ساسانی ارائه شده‌اند. این اثر حاوی قوانین آیینی و همچنین داوری مفسران گوناگون در مورد آنهاست.

مقاله «آیین و آیین‌ها در نیرنگستان» مندرجات کتاب را در دو بخش مورد بررسی قرار می‌دهد. مطالبی که در بخش نخست آمده‌اند، عبارتند از: نقش روحانیان اجراکننده آیین‌ها در کسب ثواب دینی برای نیایش‌گزاران؛ نحوه نگرش به خطاهای احتمالی که ممکن است توسط فرد روحانی طی انجام مراسم گوناگون صورت گیرد؛ درجات این خطاها و عواقب آنها؛ چگونگی جبران خطاها؛ و نحوه برخورد با حوادث پیش‌بینی نشده‌ای که ممکن است طی مراسم روی دهند.

بخش دوم به بررسی نیایش‌های مهمی که در نیرنگستان به آنها اشاره شده است، می‌پردازد: (۱) نیایش‌های کوتاه که عمدتاً شامل فدیة و آیین‌های وابسته هستند؛ و (۲) آیین‌های عالی که برخوانی یسنا همواره جزء اصلی آنها را تشکیل می‌دهد. آیین‌های نامبرده با مراسمی که امروزه توسط پیروان این دین اجرا می‌شوند، قیاس شده‌اند.

* مشخصات کتابشناختی این اثر از این قرار است:

انتقال شفاهی نقش مهمی در تاریخ متون دینی و مقدس زرتشتی گری بازی می‌کند. در حالی که بسیاری از دانشمندان بر این اعتقادند که زرتشت، کسی که سنت زرتشتی اصل خود را به او نسبت می‌دهد، در دوران پیش از تاریخ - احتمالاً حدود ۱۲۰۰ یا ۱۰۰۰ پ.م. - می‌زیسته است، به نظر می‌رسد در ایران هیچ القبای مناسبی برای ارائه نظام آوایی زبان متون مقدس این دین، که از جمله زبان‌های ایرانی باستان بوده، وجود نداشته است تا اینکه چنین خطی طی دوران ساسانی (۲۲۶ تا ۶۵۱ م.) ایجاد گردید. تا آن زمان، اوستا، مجموعه متون مقدس ایرانی باستان، می‌بایست به صورت شفاهی منتقل شده باشد. در طول زمان، مرکزیت فرهنگ زرتشتی از شرق ایران به غرب کشور، یعنی قلب شاهنشاهی هخامنشی (حدود ۵۵۰ تا ۳۳۰ پ.م.)، جایی که «اوستایی» زبانی بیگانه بود، انتقال یافت. این مسئله که بیگانگی نسبی این زبان مقدس سبب شد تا روحانیان غرب ایران همه متون مقدس را واژه به واژه بخاطر بسپارند، مورد بحث دانشمندان قرار گرفته است.^۱ این امر نیز به نوبه خود باعث گردید بسیاری از متون، که شاید تا آن زمان آزادانه تر منتقل می‌شدند، تثبیت شوند. احتمالاً در همان زمان یا شاید کمی بعد، هنگامی که، در روند تحول زبان‌های جوامع زرتشتی، عصر «ایرانی باستان» جای خود را به «ایرانی میانه» داد، زبان «اوستایی» به صورت زبانی بسیار مبهم درآمد و ترجمه ساده واژه به واژه آن به زبان‌های ایرانی هم عصر، شکل گرفت. این امر روحانیان را قادر ساخت تا حدودی معنای اوستا را درک کنند، در حالی که به دلیل ساده بودن روش ترجمه، علمای روحانی (هیربد *hērbed*) توانستند، ظاهراً بدون تکیه به متون مکتوب، تعداد زیاد و قابل توجهی از متون اوستایی را همراه با ترجمه آنها (که تحت عنوان *Zand* شناخته می‌شدند) به خاطر بسپارند. اما ترجمه‌های زند همیشه روشن‌گر نبودند و در طول زمان تفاسیر علمای روحانی نیز همراه با ترجمه‌های اصلی به خاطر سپرده شدند. متون موجود زند همه به زبان پارسی میانه و پهلوی هستند، گرچه در دیگر زبان‌های ایرانی نیز متون مشابهی می‌بایست وجود می‌داشته‌اند.

در تعدادی از متون، این تفاسیر عالمانه بسیار طولانی تر از اوستا - و زند اصلی شدند، و به نظر می‌رسد که در برخی موارد، اصل اوستایی متن شاید تنها یک

1. See Ph. G. Kreyenbroek, "The Zoroastrian Tradition from an Oralist's Point of View", K.R. Cama Oriental Institute, Second International Congress Proceedings, ed. H.J.M. Desai/H.N. Modi (Bombay, 1996), p.. 221-237.

مستمسک بوده که به آموزگار روحانی امکان می‌داده درباره موضوعی که به نظرش مهم می‌رسیده، بحث کند. نمونه‌های اصلی متونی از این دست عبارتند از: ویدوداد Widēwād یا وندیداد - Vendidad که امروزه به عنوان یک متن نیایشی به کار می‌رود - و موضوع اصلی این مقاله، هیربدستان Hērbedestān و نیرنگستان Nērangestān. به نظر می‌رسد که این متون اصالتاً نه به سنت نیایشی، که سنت عالمانه زرتشتی‌گری ساسانی تعلق دارند.^۱ در حالیکه وندیداد سرانجام به عنوان بخشی از نیایش‌های زرتشتی برخوردار شده (نک: پایین)، هیربدستان و نیرنگستان ویژگی عمدتاً عالمانه خود را حفظ کردند. نکته فوق بدین معناست که، برخلاف متون نیایشی که بطور منظم توسط گروه‌های روحانیان خوانده می‌شدند و اینان می‌توانستند خطاهای یکدیگر را به هنگام بر خوانی اصلاح کنند، این متون را تنها یک آموزگار به شاگردان خود منتقل می‌کرد و اینان نیز در مقامی نبودند که خطاهای آموزگار خود را اصلاح کنند.

با توجه به تحریفاتی که از طریق انتقال فردی حادث می‌شود و همچنین این واقعیت که هیربدستان و نیرنگستان با سبکی موجز و هدف روشن کردن مسائل برای افراد متخصص، توسط روحانیان و برای روحانیان تألیف شده بودند، اشتیاق پژوهشگران برای مطالعه نمونه‌هایی اینچنین از دانش عهد ساسانی، تاکنون محدود بوده است. داراب دستور پشوتن سنجانا متن دستنویس HJ را در سال ۱۸۹۴^۲ در دسترس همگان قرار داد. در سال ۱۹۱۵ س.ج. بولسارا ترجمه نسبتاً روشن‌گرانه‌ای از تمامی متن را به چاپ رساند.^۳ ترجمه آلمانی ا.واگ از قطعات اوستایی متن، در سال ۱۹۴۱ در لایپزیک چاپ شد.^۴ از آن زمان، این کتاب توجه اندکی را بین پژوهشگران به خود معطوف داشت، تا اینکه دستور دکتر فیروز م. کوتول، اهل مومبئی، بر آن شد تا توان خود را وقف این اثر کند. وی و ج.و. بوید متن اصلی دستنویس TD^۵ را به چاپ رساندند و از اواخر سال ۱۹۸۰، دستور کوتول و نویسنده این مقاله در تهیه متن ویراسته

۱. این سنت متون دیگری را نیز شامل می‌شده است که فاقد اصل اوستایی بوده‌اند؛ مانند متن قانونی مادیان هزار دادستان. MAdayAn I HazAr DAdestAn

2. D.P. Sanjana, Nirangistan: a Photozincographed Facsimile (Bombay, 1894).

3. S.J. Bulsara, Aērpatastan and Nīrangistān (Bombay, 1915).

4. A. Waag, Nirangistan: der Awestatraktat über die rituellen Vorschriften (Leipzig, 1941).

5. F.M. Kotwal/J. W. Boyd, ĒrbadIstAn ud Nīrangistān: Facsimile Edition of the Manuscript TD (Cambridge, Mass. / London, 1980).

و ترجمه هیربدستان و نیرنگستان همراه با یادداشت‌های پیوست، همکاری نموده‌اند. حاصل این همکاری دو جلد کتاب بوده است.^۱

مانند بسیاری از متون زرتشتی، نیرنگستان فعلی بسیاری از ویژگی‌های یک متن «شفاهی» را حفظ کرده است. نقایص دستوری زیادی هم در بخش‌های اوستایی و هم بخش‌های پهلوی متن وجود دارند و به همین نسبت داوری‌های مفصلی نیز از جانب مفسران روحانی گوناگون در کنار یکدیگر ذکر شده‌اند. با توجه به اینکه در یک نظام شفاهی امکان مقایسه جزئی سنت‌های مختلف وجود ندارد، هیچ روشی ابداع نشد تا اعتبار نسبی داوری شخصیت‌های معتبر (دستور) *dastwar* را تثبیت کند. نیرنگستان یک نظام قوانین موردی را منعکس می‌کند. این کتاب حاوی داوری‌هایی در مورد یک رشته پرسش‌های مرتبط با آیین‌هاست. علاوه بر قوانین و قواعد عملی، این متن اطلاعات مهمی در مورد نحوه تفکری که بنیاد داوری‌ها بر آن قرار داشته‌اند، به دست می‌دهد. بدین ترتیب این اثر بینشی به نظام «مطالعات آیینی»، آنگونه که توسط مقامات مذهبی زرتشتی آموزش داده می‌شده، فراهم می‌آورد.

شواهد متن را تا آنجا می‌توان همزمان قلمداد نمود که زمانی که مطالب به نگارش در می‌آمدند، توسط یک مقام مذهبی تأیید می‌شدند. در عین حال، این اثر دارای لایه‌های گوناگون نیز هست که منعکس‌کننده نقطه نظرهای نسل‌هایی از آموزگاران روحانی زرتشتی می‌باشند. متأسفانه نمی‌توان در این مورد اطمینان داشت که عقاید مندرج در این کتاب ریشه در دوران پیش از اسلام دارند یا دوران اسلامی؛ تا کنون برای هیچیک شواهد کافی به دست نیامده است. عدم اشاره به وندیداد در نیرنگستان، که در متن نسبتاً متأخر ضمائم شایست‌نشیاست^۲ بطور مداوم از آن به عنوان یک منبع معتبر و احتمالاً یک متن نیایشی یاد می‌شود، اشاره به این دارد که نیرنگستان پیش از ضمائم صورت نهایی خود را یافت، اما این چیزی بیش از یک تاریخگذاری نسبی نیست.

در مطالبی که خواهند آمد، شواهد نیرنگستان در این موضوعات مورد بررسی قرار می‌گیرند: (۱) اجرای آیین‌ها و شیوه تفکری که داوری‌های مندرج در کتاب بر بنیاد آن قرار دارند، و (۲) برخی آیین‌های فردی مذکور در متن و ارتباط متقابل آنها.

1. Fargard 1 (Paris, 1995).

2. See F.M. Kotwal, *The Supplementary Texts to the Šāyist nē-Šāyist* (Copenhagen, 1968), pp. 33, 35.

بخش نخست: قوانین مربوط به اجرای آیین‌ها

مانند بسیاری از ادیان دیگر، آیین‌های زرتشتی بطور معمول به موجودات الهی تقدیم و توسط روحانیان برای روان افرادی که در مراسم شرکت می‌کردند، اجرا می‌شدند. ثواب دینی، کمیته‌ی مشخص و قابل سنجش قلمداد می‌شد، چیزی شبیه پس انداز در حساب آسمانی که سرانجام سرنوشت روان را پس از مرگ تعیین می‌کند. قطعه زیر مشخص می‌کند که چگونه روحانیان می‌توانستند مردم عامی را بطرق گوناگون در کسب ثواب دینی یاری کنند:

(7.5) Mard ka abēr tuwānīg yazišn pad mizd pādixšāy kardan; harw 2-ēn kirbag ōh bawēd. Pad drahm-ē be dahēd harw 2-ēn radīhā. *Kehīha kirbag *ōh bawēd... Mard ka abēr tuwānīg xrafstar ī grift pad wahāg frōxtan pādixšāy; harw 2-ēn kirbag *ōh bawēd, *ōh griftan rāy ud *ōh ōzadan rāy.

(۷.۵) اگر یک روحانی بسیار توانا باشد، می‌تواند یزش^۱ را برای مزد انجام دهد: بدین ترتیب هر دو طرف ثواب خواهند برد. اگر آن را (یعنی آیین را) برای یک درهم انجام دهد، هر دو درست عمل کرده‌اند. اگر (آن را) برای (میزان) کمتری (انجام دهد)، پس باز هم ثواب باشد... اگر روحانی بسیار توانا باشد، می‌تواند جانوری مودی را گرفته، به بها بفروشد. بدین ترتیب هر دو، دو برابر ثواب می‌برند، یکبار برای گرفتن و (یکبار برای کشتن آن^۲).

به عبارت دیگر، روحانیان می‌توانستند سعادت انجامین روان‌های انسان‌های دیگر را با «فروختن» (یا بواقع بخشیدن، نیرنگستان ۷.۳) اجرای یک آیین و همچنین عمل دور از انتظار گرفتن و کشتن یک جانور مودی و «فروختن» این اعمال، فزونی دهند. در هر حال، روشن است که دغدغه کلی نویسندگان نیرنگستان اجرای آیین‌ها بوده است. تا آنجا که بتوان از یک نظام مطالعات آیینی در این کتاب صحبت کرد، این نظام بر دو چیز متمرکز بوده: (۱) روش صحیح اجرای یک آیین مؤثر، و (۲) ارزیابی شرایط معکوس یا نامناسب

۱. بزش از ریشه yaz- اوستایی، به معنی «استودن، نیایش کردن» و همان واژه ایست که امروزه به «جشن» یا یاز معنایی متفاوت بدل گشته است. در متون زرتشتی این واژه در کاربردی کلی و برای «اجرای مراسم دینی» بکار می‌رود. م.

۲. ترجمه‌ها در این مقاله برگردان ترجمه‌های نویسنده هستند. با توجه به نزدیکی زبان‌های فارسی و پهلوی، در برخی موارد این امکان برای مترجم وجود داشت که ترجمه‌های نزدیک تر به متن اصلی ارائه کند، اما جهت حفظ امانت از این کار خودداری شد. م.

که می‌توانسته تأثیر یک آیین و ثواب حاصل از آن را تحت الشعاع قرار دهد. مانند بسیاری از نظام‌های مشابه دیگر، بخصوص فقه اسلامی، ضوابط و تعاریف، نقشی اساسی در قوانین موردی زرتشتی ایفا می‌کنند. در حالیکه انتظار می‌رود ثوابی از اجرای یک آیین حاصل شود، اشتباهات سخت هم ممکن است تأثیر عکس داشته باشند و به گناهان فرد نیز بیفزایند. برای آگاهی از آنچه سبب یک اشتباه گناه آلود می‌شود، فرد باید نسبت به ملزومات هر آیین آگاهی داشته باشد. با این حال، آنچه در یک آیین گناه است، ممکن است در آیینی دیگر مجاز باشد، و در برخی موارد فرد می‌تواند اعمال آیینی خود را به عنوان بخشی از مراسمی که معمولاً نسبت به آنچه مورد نظر بوده، در سطح پایین تری قرار دارد و در آن یک اشتباه، گناه محسوب نمی‌شود، تعریف دوباره کند. بعلاوه، اگر آیین نهایتاً آیین نباشد، نه ثواب می‌افزاید نه گناه؛ از این رو دانستن این نکته ضروریست که تحت چه شرایطی آنچه در نظر بوده که یک آیین باشد، می‌تواند بعنوان چیزی در حد یک تجربه، تعریف شود.

معمولاً در نیرنگستان نخست قانون کلی می‌آید، سپس بحث در مورد اتفاقات ناگوار. قوانین کلی و تعاریف به فردگویند که، برای مثال، هر یک از پاس‌های (gāh) روز چه زمان آغاز می‌شوند (برای مثال ۲۸.۱؛ ۲۹.۱)؛ چه آیین‌هایی می‌توانند در گناه‌های خاصی اجرا شوند (مثلاً ۲۹.۵)؛ کدامیک از اوراد تقدیمی شنومن (šnūman) مناسب هستند (۲۹.۱۶) چه حیواناتی می‌توانند قربانی شوند (۴۰-۳۶)؛ چه تعداد روحانی باید در مراسم شرکت کنند (۲۵.۷)؛ حداقل تعداد شنوندگان چه میزان می‌تواند باشد (۸، ۹) و همینطور در مورد آبی که باید تقدیس شود (۳۰.۱۵).

درجات گناه همانگونه سنجیده می‌شوند که ثواب؛ کوتول درجات مختلف گناه را بررسی کرده است.^۱ آنگونه که از نیرنگستان بر می‌آید، نیت مسئله مهمی بوده است. ظاهراً توافق عمومی بر این بوده که فردی که از پیش ترتیبی فراهم می‌کند تا برای شرکت در مراسم بزرگ گاهانبار^۲ توسط فرد دیگری از خواب بیدار شود، گناهکار نخواهد بود اگر فرد دوم او را از خواب بیدار نکند (نیرنگستان ۲). مجدداً ضوابط و تعاریف نقش

1. The Supplementary Texts to the Šāyist nē-Šāyist , p. 115.

۲. گاهانبارها جشن‌های بزرگ ایرانیان بودند که به بزرگداشت آفرینش شش آفریده اهورامزدا - آسمان، آب، زمین، گیاه، حیوان و انسان - در شش هنگام سال - میانه بهار، میانه تابستان، پایان تابستان، میانه پاییز، میانه زمستان و پایان زمستان - برگزار می‌شدند. م.

برجسته‌ای را ایفا می‌کنند: اگر فرد بدلیل مست بودن نتواند گاهانبار را اجرا کند، پرسش اساسی این خواهد بود که آیا میزان نوشیدنی ای که مصرف کرده، قانونی است و بدین ترتیب تواند «خوراک» تعریف شود، یا «زیاده روی»؟ در مورد اخیر فرد گناهکار می‌شود (نیرنگستان ۱۱)، اما در مورد نخست، خیر (نیرنگستان ۱۲). مفسری بنام سوشانس (Sōšāns) می‌گوید که شخص برای اینکه بتواند بر پای خویش راه رود، می‌تواند سه پیاله بنوشد و سه پیاله دیگر هم؛ اما در جای دیگر، کی آذربوزد (Kay-Adur-hōzēd) اعتقاد دارد که «دو پیاله و اندکی افزون بر آن» زیاده است.

بنابر تعاریف، اگر اجراکننده اصلی مراسم یا یکی از دستیارانش گناهکار یا «شکاک» باشند، آیین ناقص خواهد بود. جدا از این، ممکن است مسائل ناگوار نیز طی مراسم روی دهند: برای مثال یک صدای ناگهانی می‌تواند باعث شود بخشی از نیایش شنیده نشود؛ یا ممکن است چیزی داخل آب مقدس (زوهر Zōhr) بیفتد؛ ممکن است یک روحانی بخشی از متن را از نظر بیندازد یا در برخوانی اشتباه کند؛ یا دو اجراکننده اصلی (که در عین اجرای مراسمی کاملاً متفاوت می‌توانند کنار یکدیگر بنشینند) ممکن است بخشی از متن را به صورت هم آوا بخوانند که گناه محسوب می‌شود،^۱ مگر اینکه از پیش توافق کنند که متن را به این صورت ادا کنند.

نقایص در اجرای رسمی یک آیین می‌تواند سلسله عواقبی بدنبال داشته باشد. معمولاً چنین است که روحانی خاطی به میزان متناسب با خطا، گناهکار می‌شود.

(26.5) *Ēw kardag gāhāmbār nē yazēd, pad jud. Gāhāmbār ī ēw kardag [pad ham-hayyār] nēm tanāpuhl pāyag. Pairi auuahe varštē e xoī Ast kē ēdōn gōwēd hād pad-iz yāt pāyag ast.*

(۲۶.۵) گاهانبار را هم آوا نباید برخواند، بلکه جداگانه. گاهانباری که هم آوا {با دستیاران} برخوانده شود، به پایه نیم تناپوهل^۳ گناه (است). باشد که از آن اجتناب شود.

۱. احتمالاً به این دلیل که شاید علت آن عدم تمرکز باشد.

۲. در متن ایرانی، ترجمه پهلوی و تفسیر به صورت ایتالیک چاپ شده‌اند، در حالیکه اصل اوستایی اینچنین نیست؛ در ترجمه فارسی، بندها و اصطلاحات اوستایی و پهلوی و ترجمه‌های بندهای اوستایی ایتالیک شده‌اند.

۳. درجات مختلف گناه در متون زرتشتی، به شماره هفت یا هشت آمده‌اند: فرمان، آگرفت، اوپریش، اردوش، حور، به ازای، یات و تناپوهل. از این میان، به ازای عبارت بوده است از شکستن استخوان دست یا زدن زخم به آن به میزان سه انگشت. یات به گناهی اطلاق می‌شده که در نتیجه شکستن استخوان پا یا زخم زدن به پا به

هست کسی که گوید: «حتی به درجه گناه یات^۱ است.»

گاه در بندهای اوستایی نیرنگستان و ترجمه فارسی میانه آنها، تنبیه‌ها نیز ذکر شده‌اند: بدین ترتیب اگر یک روحانی یک واژه را در قرائت گائها Gāthā بیندازد، باید سه بار شلاق بخورد، یا یک روز در مزرعه کار کند (۲۷.۴؛ ۲۵.۱؛ ۱۶؛ ۲۴.۱۵)؛ خطایی که بزرگ‌تر از آن است که با تنبیه کیفر داده شود، بر ذمه شخص باقی می‌ماند (۲۷.۱-۴). ظاهراً نوع دیگری از تنبیه، ماهیت اقتصادی داشته است. به نوشیدن الکل در مراسم گاهانبار بیش از یک بار اشاره شده و حاکی از آن است که این یک مشکل شایع بوده است. اگر یک روحانی در حدّ قابل مجازات مست بود، می‌توانست مراسمی را که در حال انجام آن بوده، تمام کند، اما ثوابی به حساب او نمی‌رفت. اگر از این لحاظ «مشکوک» بود، بخشی از ثواب مراسم به او می‌رسید؛ در هر دو مورد، این روحانی نمی‌توانست در «اهدای نذورات» که احتمالاً بر منفعت نیز بوده، شرکت کند.

(24.5) Any bawēd ka-š xwarišn abēr nē *xwarīd estēd tā ka-š xwarišn abēr xwarīd estēd; ā-š *drāyān-jōyišnih *ō bun. Ka drāyīd tuwān estēd A-š yašt-ē tuwān kardan; nē kunēd wināh ī garān [garzišnīg wināh] nē kard estēd. Rōšn guft hād ēn *any bawēd ka-š pad wināhgarīh drāyīd estēd (ud) drāyed, any- <tom> wattom ka nē yazēd...

(24.6) Ka-š drāyīd estēd ā-š gāhāmbār nē bawēd u-š rapihwin nē bawēd, u-š ustōfrīd nē yazīšn. U-š xwarišn ka gumānīg ā-š gāhāmbār yašt u-š rapihwin nē yašt bawēd, u-š ustōfrīd nē yazīšn u-š *ōh xwarišn.

(۲۴.۵) تفاوت دارد اگر کسی مشروب بسیار نوشیده باشد تا کسی که نوشیده باشد؛ پس گناه «صحبت کردن به هنگام خوردن»^۲ بر ذمه‌اش باشد. اگر صحبت کرده باشد، پس (هنوز) می‌تواند مراسم را انجام دهد. اگر تمام نکند، گناه گران {گناه قابل شکایت کردن} کرده است. روشن (Rōšn) گفت: «تفاوت دارد اگر به گناهکاری «صحبت کرده باشد» و

میزان سه تا چهار انگشت عارض می‌شده است. تناپوهل گناهی سنگین است که مانع از عبور از جینود پل می‌شود و آن زخم زدن در حدی که به نقص عضو یا از کار افتادگی فرد بیانجامد. م.

۱. رک یادداشت ۱۵. م.
۲. صحبت کردن به هنگام غذا خوردن در زرتشتی گری کلابیک گناه محسوب می‌شود و این مفهوم خطاهای مشابه را نیز شامل می‌شود.

«صحبت بکند»؛ در غیر این صورت بدتر است اگر مراسم را انجام ندهد...»

۲۴.۶) اگر «صحبت کرده باشد» پس انجام (مراسم) گاهانبار یا ریپه‌وین Rapihwin^۱ برای او (محسوب) نباشد و نباید اوستوفرید Ustōfrīd^۲ را انجام دهد. و اگر نوشیدنش مشکوک باشد، اجرای گاهانبار برایش محسوب شود و ریپه‌وین برایش محسوب نشود و اوستوفرید را نباید انجام دهد اما باید از آن بخورد...

خطاهای دیگر، مانند حذف یک چهارم از نیایش گاتا Gāthā می‌توانست ثواب حاصل از مراسم را از بین ببرد (۲۴.۶). اما اگر تقصیری قابل بخشش بود، بخشی از ثواب به فرد می‌رسید: اگر یک روحانی به طور مشروع ناچار باشد مراسم را زودتر از موعد ترک کند، می‌تواند برخوانی متون خاصی را حذف کند و ثواب (کاهش یافته) «هزار گوسفند» هنوز به او خواهد رسید؛ اما اگر به موقع برای اتمام مراسم بازگردد، ثواب «هزار گاو» را خواهد برد.

(24.13) *Mard kē xwēškārīhā pad kār-ē kāmēd šudan pad ēd dārēd kū-m ander gāh abāz madan nē tuwān u-š pañca tišrō dasa u raθβam abāz hilišnih gāhambār be yazišnih u-š hazañrēm maēšanam kirbag ōh bawēd. Ka andar gyāg abāz āyēd ud be yazēd ā-š hazañm gauuanam kirbag ōh bawēd.*

اگر یک روحانی بنابر خویشکاری بخواند به انجام کار دیگری رود و چنین بیندیشد که نمی‌توانم به موقع باز آیم، باید که *pañcatišrō dasa* و *raθβam* را بازگذارد و گاهانبار را انجام دهد، و ثواب هزار گوسفند او را باشد. اگر فوراً باز آید و مراسم (کامل را) انجام دهد، پس ثواب هزار گاو او را باشد.

روش خاصی از محاسبه ثواب با فعل اوستایی - *fra.mar* «تمرکز کردن» (بر عمل آیینی، در برابر اجرای آن)، برابر صورت پهلوی *frāz ōšmurdan* بیان می‌شود. مفهوم این واژه اینست که اگر یک روحانی در آیینی شرکت داشته باشد که بدلیلی غیر از خطای او خدشه دار شود، او ثواب «تمرکز داشتن» بر نیایش را بدست خواهد آورد.

۱. در تقویم زرتشتی شبانه روز به پنج پاس یا گاه تقسیم می‌شود که هر یک آیین دینی ویژه خود را دارند. اینها عبارتند از: اوشه‌ن گاه، از نیمه شب تا برآمدن آفتاب؛ هاون گاه، از برآمدن آفتاب تا نیمروز؛ ریپه‌وین گاه، از نیمروز تا عصر، اوزیرین گاه، از عصر تا غروب خورشید؛ و سرانجام، ایوسوسریم گاه، از غروب خورشید تا نیم شب. م.

۲. نذر و نثاری است که به هنگام اجرای مراسم دینی صورت می‌گیرد. م.

۳. احتمالاً اشاره ایست به اوراد تقدیمی در مراسم گاهانبار.

به عبارت دیگر، به اندازه خواندن یک متن مقدس، به خاطر سپردن آن، یا تکرار آن به منظور شاداب نگهداشتن حافظه، به او ثواب می‌رسد.

20.1 (Dahmō zaōta tanu.pərəθa upa-sraōtārō; ka dahm zōt abar- u-š tanāpuhl abar srōdār [kū margarzān hēnd], (20.2) yezi diš tanu. pərəθō vaēθa; agar hān az awēšān tanāpuhlagīh āgāh, (20.3) aēuuatatō ratufriš ýauuat framaraiti; hān and-iš radīhā cand-iš frāz ošmārēd [kard ī xwēš]

اگر مرد پارسایی زوتر^۱ باشد (اما) دستیاران او کسانی باشند که تن شان محکوم است (=پشوتن)؛^۲ اگر روحانی ارشد پارسا باشد اما دستیارانش سخت گناهکار باشند (یعنی مرتکب گناه مستوجب مرگ (=مرگ ارزان) باشند) (۲۰.۲) اگر می‌داند که تن شان محکوم است (=پشوتن هستند)؛ اگر از گناه سخت شان آگاه باشد، (۲۰.۳) رتوها^۳ را به اندازه تمرکز بر برخوانی خشنود کند؛ به گونه صحیح (عمل می‌کند) تا آنجا که بر برخوانی {آن بخش از نیایش که مربوط به اوست} تمرکز داشته باشد.

اگر حین اجرای مراسم نقصی پیش آید، کارهای مختلفی می‌توانند انجام گیرند. پیش از هر چیز، شاید بهترین کار ادامه مراسم باشد، گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است:

(28.39) Ka srōš-drōn xward ud barsom nē pad nigērišn apādyāb be bawēd ā-š be šōyišn u-š be rāyēnišn u-š gumānīg *pardāxt bawēd. Ka gōspand pad yašt ā-š *ōh kušīšn; ka yašt pad zōhr ā-š *ōh dahišn.

(۲۸.۳۹) اگر از نان مقدس^۴ خورده باشد و برسم Barsom^۵ بطور اتفاقی ناپاک شود، باید آن را بشوید و مراسم را ادامه دهد، و (مراسم) را با تردید انجام داده باشد. اگر گوسفندی (برای قربانی کردن) باشد، باید کشته شود؛ اگر آیینی با نثار چربی (زوهر) است، پس زوهر باید نثار شود.

وقتی اتفاقات پیش آمده قابل اغماض نباشند، اغلب این امکان وجود دارد که بتوان نحوه اجرای مراسم را تعدیل نمود. اگر اوراد مورد نظر بر خوانده نشده باشند،

۱. زوت (اوستایی - zaotar) نام روحانی ارشد در دین زرتشتی است که به همراه دستیار خود، راسبی مراسم

دینی را انجام می‌دهد. م. ۲. واژه‌های داخل (=) افزوده مترجم هستند.

۳. یعنی اجرای او مورد قبول واقع می‌شود.

۴. «درون» نان مقدسی است که به هنگام اجرای آیین‌های دینی برای ایزدان خیرات می‌شود. م.

۵. یعنی یک دسته از شاخه یا سبم‌های فلزی که روحانی آنها را به دست می‌گیرد.

روحانی باید دعا را از همانجا که غفلت روی داده، تکرار کند (۱۸.۴). اگر بیش از یک بند (وچست (wacast) از دعا حین مراسم درون Drōn (در مورد آن نک پایین) افتاده باشد، کلّ مراسم باید از ابتدا تکرار شود (۱۰.۵۱)، همین مسئله در مورد گاهانبار نیز صدق می‌کند، (۲۵.۵)؛ اگر بخش افتاده بیش از یک بند نباشد، تنها همان بند مورد نظر باید تکرار شود (۱۰.۵۲). اگر نان مقدس قبل از مصرف شدن ناپاک شود، مراسم باید از نو آغاز شود (۲۸.۳۳). اگر جامی که آب تقدیس شده باید در آن ریخته شود به زمین بیفتد، باید شسته و کنار گذاشته شود و می‌تواند برای مراسم به کار نرود (۲۸.۱۹)، و معنی آن این است که باید از جام دیگری استفاده شود.

در سایر موارد، مراسم باید کلاً متوقف شود. اگر در ابتدای مراسم، بعنوان نمونه، خطایی صورت گیرد، چنین خواهد بود: اگر بین برخوانی ^۱frastuiie در یسنای (Yasna) ۰.۴ و باج (hāj) ^۲ در یسنای ۰.۱۳ روحانی «خیس شود» (یعنی مایعاتی از بدنش خارج شود)، «صحبت کند»، یا مراسم را ترک کند تا یک نیاز طبیعی را پاسخ گوید، همه آموزه‌ها (ی شخصیت‌های مهم) می‌گویند که مراسم باید متوقف شود. ^۳ اگر آتشدان از جنس خاک یا گچ باشد و بشکند، فرد باید مراسم را خاتمه دهد:

(28.33) *Ātašgāh az gilēn šāyēd ud gacēn šāyēd; hān pad pādyāb bawēd. āst kē gōwēd ay hād nērang-ē pas guft bawēd ku-z dārēn šāyēd. Ka sarāsar darrīd estēd ā nē šāyēd. Ka-š kāh-ē andar sarāsar andar be estēd ēdōn bawēd ciyōn sarāsar darrīd estēd. Ast (*kē ēdōn gōwēd ay hād) ka be škihēd, yazišn sar.*

آتشدان می‌تواند گلی یا گچی باشد؛ این‌ها قابل تطهیرند. هست کسی که چنین گوید: «بعدها دستورالعملی نیز گفته شده که چوبی هم می‌تواند باشد.» اگر (آتشدان) سراسر شکافته باشد، قابل استفاده نیست. اگر در سرتاسر آن یک کاه قابل رؤیت باشد، مانند این است که سراسر شکافته باشد. کسی هست که چنین گوید: «یزش باید خاتمه داده شود.»

۱. دعایی است که در آغاز یسنا و همچنین یسن یازدهم اوستا آمده است. م.

۲. رک یادداشت ۴۰. م.

3. Nērangestān 19.9: *Hād pad hamāg cāštag pad hān zamān bawēd ka zōt pad frastuiiē ī bun be šawēd tā ka zōt pad wāz-gīrišnīh pad frastuiiē ī bun be šud, zōt ay ka be namēd, ay ka be drāyēd. ay ka kār-ē wizērdan sawēd, hamāg yazišn sar.*

همانطور که قطعه بالا نشان می‌دهد، برخی از اتفاقات جدی تر آن بودند که بتوانند جبران شوند. در چنین مواردی مشکل اصلی این بود که آیا مراسم مختل شده منجر به گناهکار شدن روحانیان می‌شده یا این امکان وجود داشت که از آن جلوگیری بعمل آید؟ همانگونه که بعضی از مفسران بوضوح یا بطور تلویحی به آن اشاره کرده‌اند،^۱ مراسمی که بطور رسمی به اتمام نرسیده، آیین محسوب نمی‌شود و می‌تواند بدون آنکه به پیامدهای جدی ختم شود، ناتمام گذاشته شود. از طرف دیگر، اگر روحانی ارشد در حین برخوانی یسن ۷۲.۵ برسم را به یکی از دستیاران خود بدهد، مراسم رسماً خاتمه یافته و باید کامل قلمداد شود. در نتیجه روحانیان باید عواقب هر اشتباهی را به عهده بگیرند.

با تعریف مجدد یک آیین به آن عنوان که وقوع یک خطا در آن گناه محسوب نمی‌شود، می‌توان از پیامدهای برخی از اشتباهات اجتناب کرد. بدین ترتیب، مراسم یسنا می‌تواند در یکی از پنج‌گانه روز اجرا شود؛ هرگونه تخطی از قوانین، ثواب مراسم را از بین می‌برد (۹، ۲۸.۸). از طرف دیگر، چنین محدودیت‌هایی در مورد مراسم کوتاهتر و کم‌ثواب تری مانند درون Drōn، که بیشتر اجزاء آن در یسنا نیز تکرار می‌شوند، وجود ندارند، در نتیجه تعریف دوباره آیین بعنوان درون می‌تواند فرد را از متحمل شدن گناه دور نگاهداشته و بواقع، لااقل بخشی از ثواب را حفظ کند. همین تدبیر را می‌توان در مورد احتمالات متعدد دیگری نیز بکار گرفت:

(19.11) Ka yašt, ay ka be namēd, ay (*ka) be *ō kār wizārdan šawēd, (ā) az-iš bāzāy ud drōn ōh yazišn; ka be drayēd ā nē yazišn. Hād Wehšābuhr pāy-ag ī xwārtar guft. Pas guft bawēd kū bāzāy, drōn pad jud az yazišn *hamē ōh yazišn... Drōn sar andar šab bared ā šāyēd..

(۱۹.۱۱) ... اگر مراسم یسنا باشد و او (=روحانی ارشد) خیس شود (عرق کند؟)، یا برای پاسخ به یک نیاز طبیعی مراسم را ترک کند، پس برای او از آن، گناه به ازای^۲ باشد، اما باید درون را انجام دهد؛ اگر صحبت کند، نباید هیچ آیینی را انجام دهد. وه شاپور (Wehšābuhr) چنین گفت: «این درجهٔ سبک‌تری از گناه است.» در نتیجه گفته شده

1. See Kotwal/Kreyenbroek, *The Hērbedestān and Nērangestān* Vol. 2, pp. (19.7 with notes 372-374).

۲. رک یادداشت ۸۵ م.

که در مورد گناه به ازای، بر خلاف یسنا، مراسم درون همیشه باید انجام شود... مراسم درون را می‌توان شب هم به اتمام رساند.

روحانیان می‌توانستند مراسم یسنا را نه بعنوان نیایشی که هدف اصلی آن خشنود ساختن موجودات الهی بوده، بلکه برای کسب بیشترین میزان نیروی آیینی (khūb) انجام دهند. یک یسنای ناقص می‌توانست به این صورت تعریف شود تا از وقوع گناه جلوگیری بعمل آید (۲۸.۴۵):
 ēdōn uskard kū kār ī xūb be kunēd be nē rayēnēd ā :
 šāyēd، چنین اندیشه شد که اگر (یسنا را) به منظور بدست آوردن khūb انجام دهد، اما (مراسم را به عنوان یک نیایش) توصیف نکند، مجاز است.

بخش دوم: آیین‌های فردی

نیرنگستان یا «کتاب دستورالعمل‌های آیینی»، سنت‌های آیینی و واقعیات عصری کهن را منعکس می‌کند و بدین ترتیب، قیاس با رویه امروزی را می‌طلبد. نیایش‌هایی که امروزه به عنوان یسنا Yasna و یسپرد Vispered و وندیداد Vendīdād شناخته می‌شوند، نقش مهمی در زرتشتی‌گری متأخر ایفا می‌کنند. هسته مرکزی هر سه آیین، دعای یسناست. برای مراسم و یسپرد، متن یسنا بطور پراکنده در میان ۲۳ فصل (کرده) کتابی که به و یسپرد معروف است، گنجانده شده است. وندیداد، آیین شبانه طولانی‌ای که برخی از دانشمندان اصل آن را متعلق به بعد از دوره ساسانی می‌دانند،^۲ شامل نیایش‌های یسنا و یسپرد است که فرگردهای (فصل‌های) وندیداد به آن افزوده شده‌اند.^۳ درون، که مراسمی کوتاه‌تر است، بخشی از نیایش یسنا را تشکیل می‌دهد، اما می‌تواند به عنوان یک آیین جداگانه و کوتاه‌تر نیز اجرا شود.

شواهد نیرنگستان، بویژه فصل ۲۸، نشان می‌دهد که نویسندگان آنها آیینی مشابه یسنای امروزی را می‌شناختند. در این اثر به این آیین‌ها اشاره شده است: آیینی مقدماتی که امروزه پرگنا Paragnā خوانده می‌شوند؛ آغاز خود نیایش اصلی (3-1.Y) (مراسم

1. See F.M. Kotwal/J.W. Boyd, A Persian Offering, The Yasna: a Zoroastrian 85, High Liturgy (Paris, 1991), p. 85, n. 68.

2. M. Boyce, Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices (London et al., 1979), p. 156.

3. See J. J. Modi, The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees (Bombay, 1922). pp. 331-332.

درون Drōn (Y.3-8)؛ هوم ستوت Höm štüt یا «ستایش هوم» (Y.9-11)؛ فرستویه Frastuie (Y.11-15)؛ نثار مایعات (Y.14-18.8)؛ نیایش فشردن هوم یا هوماست Hömast؛ گاتاها (Y. 28.34; 43-51; 53) یسن هپتنگهایتی Yasna Haptanghāiti یا یسن هفت‌ها Yasn ī Haft Hād (Y.35-42) فشو شومنثره Fšušō (Y.58-9) Manthra؛ آتش نیایش āteš Niyāyeš؛ و سرانجام، آب زوهر āb zōhr (Y. 62.11- Y. 70).

عجیب است که ظاهراً نیرنگستان ۲۸ به نیایشی شبانه اشاره دارد که در گاه اوشهین Ušahin^۲ اجرا می‌شده، در حالیکه در آن روزگار، همچون امروز (۲۹.۵)، یسنای اصلی می‌بایست در نخستین گاه روز (هاون Hāuan) انجام شده باشد. تنها نیایش شبانه شناخته شده امروزی، وندیداد است. از آنجا که ترتیب آیین‌ها در وندیداد امروزی عمدتاً با یسنا انطباق دارد، این قطعه احتمالاً یا به یک گونه قدیمتر از وندیداد اشاره دارد، یا خود آن مراسم. از طرف دیگر، بارها در نیرنگستان به ویسپرد اشاره شده است. این اصطلاح یا مستقلاً بکار رفته، و احتمالاً به آنچه امروزه نیایش ویسپرد خوانده می‌شود، اشاره دارد، و یا به عنوان «ویسپرد» متونی خاص (دوازده هوماست Dwāzdah-Hōmās رثوو برزت Radβō.βarəzat اردافرورد 13.4 ārdāfraward که در جاهای دیگر ناشناخته است)، و این احتمالاً بدین معناست که کرده‌های ویسپرد به نیایش‌های اصلی آیین‌ها افزوده شده بودند. در بسیاری جاها، از ویسپرد به همراه نیایشی به نام بغان یسن Bagān Yasn ذکر به میان آمده است، برای مثال (ēn and yazišn) andar gāh ī hāwan kunišn: nōg-(29.5) nāwar...wīsparad ud bagān yasn. نیایش را در گاه‌هاون Hāwan باید انجام داد:.... نوگ ناور Nōg Nāwar (یعنی یسنا بدون آیین اضافی)، ویسپرد و بغان یسن.

عبارات زیر نیز نمایانگر شباهت‌های مابین یسنا، ویسپرد و بغان یسن هستند:

(28.41) Zōt ka hāwanānmv āstāiia nē gōwēd [ka nē pad kardag mad estēd] u-šān pad yašt ī keh be *rāyēnīd; pad wīsparad ud bagān yasn šāyēd būdan. Rāspīg ka azəm vīsai nē gōwēd ī pad kār andar yazišn, pad tis-iz kār nē šāyēd. Ka ēk pad gāh-ē hamē be gōwēd, pad hamāg kār šāyēd.

۱. نام یسن چهل وهشت از سپنتمد گاه، گاه سوم از پنج گاهان اوستا. م.

۲. رک یادداشت ۱۸.

۳. رک یادداشت ۱۸. م.

(۲۸.۴۱) اگر زوت *hāuuanānōm āstāiia* نگوید (اگر کرده‌ها جزو (نیایش) نباشند) پس آن را به عنوان نیایش کوچک (*yašt ī keh*) ترتیب داده‌اند؛ این در مورد ویسپرد و بغان یسن می‌تواند اتفاق بیفتد. اگر دستیار *azəm vīsai* را، که باید در مراسم خوانده شود، نگوید، پس برای هیچ آیینی مناسب نیست. اگر یک بار آن را، در هر گاهی *gāh* بگوید، پس برای همه آیین‌ها مناسب است.

واژه‌های *hāuuanānōm āstāiia* بخشی از ویسپرد 3.1 را تشکیل می‌دهند و هنوز هم در ویسپرد امروزی، بعد از یسن ۱۱ برخوردار می‌شوند. ظاهراً متن ویسپرد به عنوان قسمتی از یک آیین که بغان یسن نامیده می‌شده، نیز برخوردار می‌شده است. این مسئله بدین معناست که ویسپرد نیز مانند وندیداد امروزی، بخشی از دعای بغان یسن بوده است. اما این پرسش به جای خود باقیست که اصطلاح بغان یسن به چه مراسمی اطلاق می‌شده؟ در کتاب‌های پهلوی، اصطلاح بغان یشت *Bagān Yašt* یا بغان یسن *Bagān Yasn*^۱ یا به یسن ۲۱-۱۹ (که حاوی اشاراتی چند به واژه - *Baya* «دعا» است) اشاره دارد، یا مندرجات یک متن کهن اوستایی بنام بغان نسک *Bagān Nask*^۲ متن اخیر در برگرفته‌یشت‌ها، سرودهایی خطاب به موجودات الهی که امروزه به عنوان دعا خوانده می‌شوند، بوده است. اما یشت‌ها بلندتر از آن بودند که پیش از استفاده از کتاب دعا‌های چاپی، بتوانند به این منظور بکار روند. در نیرنگستان هیچ نشانی از ارتباط بین اصطلاح بغان یسن و یسن ۱۹-۲۱ وجود ندارد. از طرف دیگر، نیایش‌هایی که مستلزم برخوانی *hāuuanānōm āstāiia* هستند، تحت عنوان *pad kadag* «دارای کرده» توصیف شده‌اند، که این احتمال را تقویت می‌کند که بغان یسن، مانند سرودهای امروزی (و ویسپرد) به قطعاتی به نام «کرده» تقسیم شده بود.

بنابر این، قطعه بالا می‌تواند به این معنی باشد که بغان یسن، مانند مراسم وندیداد کنونی، شامل نیایش یسنا بوده که متن‌های ویسپرد لابلای آن گنجانده شده بودند. به جای متونی از ویدیوداد نسک *Widēwdād Nask* باستانی (یعنی وندیداد (*Vendīdād*)^۳)

۱. اصطلاحات یسن *yasn* و یشت *yašt* کم و بیش به یک معنی بکار می‌رفتند.

2. See Encyclopaedia Iranica, vol 3, p. 406.

۳. اصطلاح نسک *Nask* برای متون اوستایی ای که تصور می‌رفت به یک مجموعه تعلق داشته باشند، بکار می‌رود. زمانی که اوستا به نگارش در آمد، «نسک‌ها» می‌توانستند در حکم «کتاب‌های» اوستا باشند. بیشتر نسک‌ها از میان رفته‌اند.

احتمالاً این متون حاوی نیایش‌های دیگری از بغان نسک (یشت‌ها Yašt) هم بوده‌اند. اینکه بغان یسن حقیقتاً با برخوانی «یشت‌های» ما ارتباط داشته، توسط قطعه دیگری نیز تأیید می‌شود که تفسیر آن بدلیل چند ارزشی بودن اصطلاح‌های یسن و یشت - که هر دو می‌توانند هم برای یک آیین بطور کلی و هم برخی از اجزای آن بکار روند- تا حدی مشکل شده است:

(29.10) Ka bagān yasn yazēd tā srōš yasn nērang hamāg ēdōn bawēd ciyōn pad wīsparad.

(29.11) Pad srōš yasn-ē, pēš-iz ud hān ī pas u-š harw yasn-ē, pad bun wāz frāz gīrēd ud pad sar be gōwišn. Be hān ka-š az yasn guft [ā-š az yašt guft bawēd], cē-š hān nē gōwišn. Āst kē ēdōn gōwēd ay hān-iz ōh gōwišn cē-š az yasn guft bawēd. Ka nē, bagān yasn yazēd, az hān kē šnūman az hān gyāg jud az srōš yasn.

Šrōš yasn (۲۹.۱۰) هنگامی که کسی بغان یسن را اجرا می‌کند، تا سروش یسن دست‌ورالعمل‌ها همه همانند و بسپرد باشند.

(۲۹.۱۱) در سروش یسن، فرد برای کرده (یسن Yasn) نخست، پایانی و هر (کرده)، در ابتدا باج bāj می‌گیرد و در انتها باز می‌گذارد.^۱ مگر اینکه آن را به عنوان بخشی از مراسم (یسن) ویژه او (سروش) بخواند، یعنی زمانی که آن را به عنوان بخشی از یک آیین (یشت Yašt) تقدیم شده به او بخواند، زیرا نباید آن را (اینگونه) بخواند. هست کسی که گوید: «حتی اگر آن را به عنوان بخشی از آیینی برای او بخواند، باید آن را اینگونه بخواند.» اگر نه، بغان یسن را انجام می‌دهد، زیرا از آنجا به بعد، نثارها با سروش یسن تفاوت دارند.

استفاده غیر دقیق از واژه یسن Yasn (که یکبار در متن از طریق واژه چند ارزشی یشت Yašt توضیح داده شده)

شخص را وادار می‌کند تا واژه‌ها را آنگونه که متن‌ها می‌طلبند، تفسیر کند. تفسیر فوق بر اساس شباهت بین مندرجات این قطعه و عادات امروزی پارسیان در برخوانی هر کرده از سرود ویژه سرئوشه šraoša (یسن ۵۷) یا اوراد خاص آن، قرار دارد، مگر آنکه

۱. اصطلاح باج bāj به دعایی اطلاق می‌شود که در آغاز و پایان یک آیین و یا بخشی از یک مراسم بر خوانده می‌شود.

کلّ یسن به سرئوشه تقدیم شده باشد، که در این صورت این تشریفات ویژه غیر ضروری بوده‌اند.^۱ اگر این مقایسه معتبر باشد، معنای این قطعه اینست که اگر فرد بغان یسن را به عنوان بخشی از نیایشی که شامل و بسپرد نیز می‌شود، بخواند، دستورالعمل‌های آیینی دیگری وجود ندارند (همین مسئله در مورد وندیداد امروزی نیز صدق می‌کند) جز اینکه فرد باید هر کرده سرود مخصوص سرئوشه را با اوراد خاص آن بخواند، مگر آنکه کلّ نیایش به سرئوشه تقدیم شده باشد. اگر شخص این کار را انجام ندهد، اعتبار مراسم محفوظ است، اما باید به جای سروش یسن، آن را بغان یسن خواند.

مفهوم دیگر این قطعه اینست که سرود تقدیم شده به سرئوشه، یک قطعه از قطعات متعدد بغان نسک Bagān Nask بوده که طی مراسم برخوردارده می‌شدند: گفته شده که تنها برخوانی سروش یشت نیازمند توجه خاص بوده، و این مسئله بدین معناست که متون دیگری نیز وجود داشته‌اند. بر این مبنا، این احتمال وجود دارد که بغان یسن شامل سرودها (یا بخشی از سرودهای) ویژه همه موجودات الهی (ایزد Yazad) که روزی از ماه به آنها تعلق داشته، بوده است. این مسئله می‌تواند بطور ضمنی علت باقی ماندن این متون را توجیه کند، در حالیکه بیشتر متون غیر آیینی از میان رفته‌اند.

نظر به همه آنچه گذشت، می‌توان احتمال داد زمانی که وندیداد به صورت یک نیایش بکار می‌رفت، از نیایش‌هایی که در راستای بغان یسن شکل گرفتند، به عنوان الگو استفاده شد. علاوه بر این، شواهد نیرنگستان حاکی از آن‌اند که قطعاتی از هادخت نسک Hādōxt Nask باستانی هم می‌توانستند به همین ترتیب در مراسمی به نام هادخت Hādōxt بکار روند (نیرنگستان ۱۱، ۱۰، ۸، ۲۴؛ بنابر بند ۲۴.۱۰، هادخت آیینی عالی بود که می‌توانست در جشنواره‌های بزرگی مانند گاهانبارها اجرا شود). بعلاوه، این فرض که متن‌هایی از نسک‌های کهن اوستا می‌توانستند به یک رشته متون استخراج شده از یسنا و و بسپرد افزوده شوند، قطعه‌ای از متن دادستان دینیک (Dādestān ī Dēnīg (DD 56) متعلق به قرن ۹ میلادی را توجیه می‌کند. در این قطعه به یک روحانی آیینی (hāwišt) اشاره شده که «پنج نسک اوستا را از بر دارد، اما هیچ زند نمی‌داند»، یا عالم روحانی (hērbed) که «وندیداد و پنج فرگردنیرنگستان را همراه با اوستا و زند آنها از بر دارد،

۱. این اطلاعات را مدیون دستور دکتر ف.م. کوتول هستم.

اما نمی‌تواند حتی یک نسک اوستا را در مقام روحانی ارشد و مسئول برخواند.^۱ زمانی که دین زرتشت دوران افول خود را طی می‌کرد، توانایی برخوانی نسک‌های متعدد به عنوان بخشی از نیایش، می‌توانست نمایانگر توانایی‌های عادی یک روحانی آیینی باشد، اما در دراز مدت، و هنگامی که زرتشتی‌گری به دینی حاشیه‌ای تبدیل شد و جوامع زرتشتی قدرت خود را از دست دادند، احتمالاً چنین آیین‌های طولانی انتظاراتی را از روحانیان می‌طلبیدند که بر آوردن آنها دشوار بود. این مسئله می‌تواند حذف بغان یسن و هادخت از سنت‌های آیینی متأخر را توجیه کند.

در حالیکه متونی که ما آنها را به عنوان یشت Yašt می‌شناسیم مطمئناً بخشی از بغان یسن طویل را تشکیل می‌داده‌اند، نیرنگستان ۲۹ آیین کوتاه تری را نیز توصیف می‌کند که معمولاً به ایزد موکل بر روز تقدیم می‌شده است. قسمت مهم این آیین، تقدیس و صرف آیینی نان مقدس درون (Drōn) و نیایش آن شامل نماز پاسداشت روز و یشت ویژه ایزدی بوده که آن روز به او تعلق داشته است. قطعه زیر به روشنی نشان می‌دهند که چنین مراسم چگونه می‌بایست ایجاد می‌شدند:

(29.12) Ū-šān harw yazišn-ē [yasn] pādixšāy guftan ka rōz hān gyāg rōz; ka nē,

hān ī meh...

(29.13) Yasn pādixšāy [ka yasn yazēd] : barsom ī 7 tāg, aiwyāhan ī gašttag ud drōn ēk, ud yasn-iz ī gāh ī dārēd pad *ēd yasn ul guft estēd. Ka cāšnīg kunēd ā-š barsom pad war be nihišn...

(29.15) Vaiiaoš uparō.kairiiehe tarađātō aniiāiš dāmōn aētaṭ tē vaiiō yaṭ tē asti spōṇtō (*mainiiaom) xšnaōθra; u-š wāz frāz gīrišn u-š yazāi apēmca bayəmcā bun kunišn ud sar be kunišn.

(۲۹.۱۲) هنگامی که روز مورد نظر، روز (ویژه آن ایزد) باشد، آنها می‌توانند هر یزش {یعنی یشت Yašt} را مطابق قانون انجام دهند؛ اگر نه، (باید یزش) بزرگ‌تر را (انجام دهند)...

(۲۹.۱۳) اگر یشت Yašt مجاز باشد، {هنگامی که فرد یشت را انجام می‌دهد} (مراسم شامل اینهاست):

1. See [Ph.] G. Kreyenbroek, "The Dādestān I Dēnīg on Priests", Indo-Iranian Journal 30, 1987, pp. 195-196.

برسم هفت شاخه، کمر بند محکم بسته شده، و یک نان مقدس (drōn)؛ و فرد می‌بایست دعای (یسن) متعلق به گاه این آیین (یسن) را خوانده باشد. وقتی چاشنی کند (یعنی درون را مصرف کند)، باید برسم را کنار بگذارد....

vaiiaoš uparō.kairiiehe taradātō aniiāiš dāman aētaṭ tē (برخوان) (۲۹.۱۵)

vaiiō yaṭ tē asti spəntō (*mainiiaom) xšnaōθra (تقدیم به ایزد Yazad Vayu و یزد سپس فرد باید باج گیرد و (برخوانی) ýczāi arəmca ba Yama (یعنی یشت ۱۵) را آغاز کند، و به پایان برساند.

بنابراین، به نظر می‌رسد اکثر آیین‌هایی را که ذکر آنها در نیرنگستان رفته است، می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد: (۱) مراسم کوتاه که اساساً شامل فدیة درون همراه با نثارها، آیین‌ها و نیایش‌های مربوطه بودند؛ مورد اخیر می‌توانسته شامل سرود (یشت) ویژه ایزد موکل بر آن روز باشد. (۲) آیین‌های عالی، که همیشه مستلزم برخوانی گاتاها بوده‌اند. ساختار بنیادی این آیین‌ها را یک رشته اعمال آیینی و متون نیایشی تشکیل می‌دادند که مراسم یسنای کنونی بدانها شناخته می‌شود؛ کرده‌های ویسپرد و همچنین متونی از نسک‌ها، مانند بغان و هادخت و احتمالاً وندیداد نیز می‌توانستند به آنها افزوده شوند.

